پایگاه تاریخی میرهادی حسینی
http://m-hosseini.ir

علویان طبرستان

راضیه رنجبر

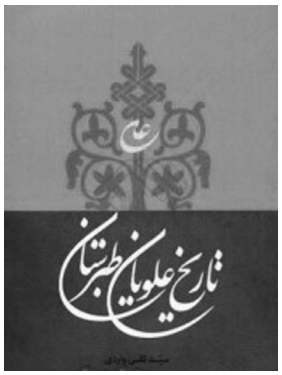

تاریخ علویان طبرستان
نویسنده: سید تقی واردی
ناشر: قم، دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۹، ۲۴۸صفحه

یکی از دوره‌های مهم تاریخ پرفراز و نشیب ایران، دوران حکومت علویان بر منطقه‌ی طبرستان بود. منطقه‌ی طبرستان که از عصر ساسانی نیز همواره مورد توجه قرار داشته، از جمله مناطق مهم و سوق‌الجیشی بوده که به خاطر شرایط اقلیمی، از دسترس اعراب به دور ماند و در عوض، مأمن و ملجا مخالفین حکومت عباسیان، از جمله سادات و شیعیان زیدی شد و در مدت کوتاهی به یک قطب مخالف حکومتی عباسیان تبدیل شد، زیرا با تأسیس حکومت علویان در این منطقه، هم از نظر مذهبی و هم از نظر سیاسی، موجبات ناخرسندی حکومت خلفای عباسی فراهم آورد.
گرچه حکومت علویان از نظر وسعت جغرافیایی و یا مدت زمان تاریخی، چندان قابل رقابت با دیگر حکومت‌های سراسری یا دولت‌های محلی تاریخ ایران نیست، اما از منظر اعتقادی و سیاسی و اندیشه‌ی استقلال‌طلبی از خلافت و حاکمیت غیرمشروع عباسی و طرد و نفی هر گونه نظام غیروابسته به خاندان **پیامبر(ص)**، بسیار حائز اهمیت و مورد توجه است.

مقدمه

بررسی تاریخ علویان در میان تاریخ حکومت‌ها و دولت‌های متقارن در ایران، از جذابیت‌های خاصی برخوردار است زیرا تنها دولتی بود که از زمان فتح امپراتوری ایران توسط مسلمانان، بر مبنای اعتقادات مکتب شیعه استوار شد. این در حالی بود که در آن عصر، شیعیان تحت فشار شدید حاکمان غیرشیعی قرار داشتند و حتی در سرزمین‌های خودشان، مانند عراق و حجاز، به شدت در فشار و اذیت بودند.
کتاب تاریخ علویان طبرستان اثر **سیدتقی واردی** ضمن بررسی تاریخ سیاسی علویان طبرستان در دوران زمامداری چهار تن از فرمانروایان، از جمله **حسن بن زید، محمد بن زید، ناصر کبیر** و **حسن بن قاسم**، به مسأله‌ی مذهب این سلسله نیز پرداخته است و به مسأله‌ی روابط سیاسی این حکومت با دیگر همسایگان و دولت‌های معاصر خود و در رأس آن‌ها، حکومت عباسیان نیز اشاره کرده است.
بررسی تاریخ علویان طبرستان از جهات گوناگون برای ایرانیان و مسلمانان و به ویژه شیعیان اهمیت داشته است، زیرا زمینه‌ی اسلام آوردن بدون جنگ و اعمال زور را برای ایشان فراهم آورد و توانست یک حکومت اسلامی مستقل با گرایش شیعی تأسیس کند.
به تعبیر این پژوهشگر، حکومت شیعی علویان، در واقع پایه‌گذار ساختار

اعتقادی سیاسی خاصی بود که در دوره‌های بعد، یعنی در زمان اخلاف آن‌ها (آل بویه) نهادینه شد، زیرا دولت آل بویه نیز با گرایشات شیعی در منطقه‌ی دیلم و طبرستان بنیان شد و گسترش یافت.

محتوای کتاب

کتاب تاریخ علویان طبرستان در سه بخش نوشته شده است. بخش اول این کتاب، مشتمل بر دو فصل است. این بخش به کلیاتی در مورد سرزمین طبرستان، پیشینه‌ی این سرزمین و نفوذ و گروش اسلام در آن می‌پردازد. فصل اول بخش اول، به موقعیت جغرافیایی و اقلیمی طبرستان اختصاص دارد و در آن به گذشته‌ی باستانی این منطقه و شهرها و آبادی‌های آن پرداخته شده است. فصل دوم به اسلام، تشیع و سادات طبرستان در این منطقه اشاره دارد و نویسنده ضمن شرحی از پیشینه‌ی اسلام در سرزمین طبرستان و نفوذ آن در این خطه، به ادعای همراهی **حسنین(ع)** به همراه سرداران سپاه اسلام در زمان **عمر بن الخطاب** می‌پردازد. آن را تکذیب می‌کند و اعلام می‌دارد که گفتار این دسته از مورخان، مقرون به صحت نیست. وی عقیده دارد نویسندگان و مورخان شیعه از روی خوش‌باوری و سادگی چنین گفتاری را با آب و تاب نقل می‌کنند (ص۳۱). در همین فصل به تمایز مذهبی علویان از دیگر مسلمانان و چگونگی پیدایش و رشد فرقه‌ی زیدیه پرداخته شده و تحقیق مبسوطی در مورد مذهب علویان به عمل آمده است. در ادامه نویسنده به نژاد و نیاکان علویان و هم‌چنین مهاجرت آن‌ها به طبرستان می‌پردازد.

بخش دوم، شامل شرح حال نظامی و سیاسی حاکمان علوی در طبرستان است. در این بخش به تاریخچه‌ی آن تعداد از سادات علوی که در ناحیه‌ی طبرستان به زمامداری پرداختند و مدتی در رأس حکومت قرار داشتند، پرداخته شده است.

گرچه تعداد تمامی اشخاصی که در دوره‌ی چهل پنجاه ساله‌ی حکومت علویان به نحوی در رأس حکومت قرار داشتند، در حدود ده نفر بودند، نویسنده فقط به چهار نفر از این افراد که به طور رسمی به این مقام نائل شدند، اشاره دارد و زندگانی سیاسی و نظامی آن‌ها را مد نظر قرار داده است.

فصل اول این بخش به شرح حال بنیان‌گذار سلسله‌ی علویان در طبرستان، داعی کبیر، **حسن بن زید علوی** اختصاص دارد و در چهار عنوان اصلی «شرح و حال داعی کبیر»، «ویژگی‌های فکری و اعتقادی»، «ویژگی‌های اخلاقی» و «ویژگی‌های رفتاری» نگارش شده است.

فصل دوم این بخش نیز به زندگی داعی الی الحق، **محمد بن زید علوی** پرداخته است. این فصل در دو عنوان «شرح و حال محمد بن زید» و «فضایل و مناقب محمد بن زید» تنظیم و نگارش شده است.

ناصر کبیر، حسن بن علی سومین حاکم علویان طبرستان است. نویسنده در فصل سوم ضمن شرح حال **ناصر کبیر**، به مقام علمی و خدمات دینی و اجتماعی او نیز اشاراتی دارد.

در آخرین فصل از این بخش، نویسنده به دوران سیاسی داعی صغیر، **حسن بن قاسم** پرداخته است. در ادامه به روند اضمحلال سلسله‌ی علویان اشاره کرده و این فصل با قتل **داعی صغیر** و هجوم اسفار به منطقه‌ی طبرستان و فروپاشی حکومت علویان به پایان می‌رسد.

در بخش سوم، توضیحاتی در خصوص مخالفان و معارضان ارائه شده است. نویسنده در فصل اول این بخش، ضمن شرحی از حکومت‌های مخالف و دشمنان علویان، از قبیل طاهریان، صفاریان، سامانیان و عباسیان، به روابط این حکومت‌ها با علویان اشاره دارد. در فصل دوم به مخالفان و دشمنان داخلی می‌پردازد و آن‌ها را به دو گروه رقبای سادات علوی و حاکمان محلی تقسیم می‌کند. در ادامه به سلسله‌های محلی و باستانی منطقه‌ی طبرستان، نظیر باوندیان، بادوسپانیان، مصمغان، جستانیان و مسافریان که از دیرباز بر آن منطقه حکومت داشتند، نیز اشاره شده است.

نکته‌ی دیگر این‌که در بخش پایانی، نویسنده فرهنگ‌نامه‌ی اماکن را نیز آورده است تا خواننده ضمن بازشناسایی مناطق مختلف طبرستان، با سایر شهرها و اماکنی که نام آن‌ها در متن کتاب ذکر شده، آشنا شود.

نقاط قوت کتاب

الف) نقش و مذهب علویان

یکی از مسائل حساس و چالش‌برانگیز در حکومت علویان، مذهب بود. در واقع، مذهب، به شدت بر روند روابط این حکومت با دیگر حکومت‌ها تأثیرگذار بود. در میان حکومت‌های متقارن آن زمان، تنها علویان طبرستان بودند که از مذهب حکومتی پیروی نکردند و مبنای حکومت خویش را بر مبنای اعتقادات شیعی پایه‌گذاری کردند و به همین جهت، مورد خشم خلافت عباسی و حکومت‌های وابسته به آن قرار گرفتند. (ص۳۴)

نکته‌ی حائز اهمیت این است که در علویان طبرستان گفته شده آنان زیدی‌مذهب بوده‌اند و بر مبنای اعتقادی و فقهی این فرقه حکومت می‌کرده‌اند. در واقع، مذهب زیدیه یکی از مهم‌ترین و مطرح‌ترین فرقه‌های شیعه در آن عصر بوده که تاکنون استمرار یافته است. اما نویسنده‌ی کتاب علویان طبرستان، با تحقیق و واکاوی این فرقه، به بحث و بررسی بیش‌تری راجع به مذهب علویان می‌پردازد. زیدیه دومین انشعاب شیعه، و منتسب به **حضرت زید بن علی بن الحسین(ع)** است. پس از شهادت **امام سجاد(ع)** در مدینه‌ی منوره، شیعیان به فرزند بزرگش، **حضرت امام محمد باقر** گرویدند و او را امام بر حق خویش دانستند. پس از شهادت **امام محمد باقر(ع)**، فرزند گرامی‌اش، **حضرت امام جعفر صادق(ع)** به وصیت پدر، به مقام امامت شیعیان نائل آمد ولیکن در دوران امامت این امام معصوم(ع)، عمویش، **زید بن علی(ع)** بر ضد خلافت اموی قیام کرد و به دست دشمنان اهل بیت(ع) به شهادت رسید. از آن پس، گروهی اعتقاد به امامت **زید شهید** پیدا کردند و او را امام پنجم و جانشین پدرش، **حضرت امام سجاد(ع)** دانستند و بدین‌گونه راه خود را از سایر شیعیان جدا کردند و خود را زیدی نامیدند (طباطبایی، ۱۳۱۵: ۶۲).

به عقیده‌ی زیدیه، هر فاطمی‌نژاد که عالم، زاهد، شجاع و سخی باشد و قیام به حق کند می‌تواند امام شیعیان قرار گیرد. زیدیان در ابتدا، دو خلیفه‌ی اول (**ابوبکر** و **عمر**) را جزو پیشوایان خود می‌دانستند ولی پس از چندی، جمعی از آنان نام این دو خلیفه را از فهرست ائمه حذف کردند و از **حضرت علی(ع)** شروع کردند (ص۳۵).

زیدیان پس از سرکوبی‌های متعدد در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس و شهادت و اسارت بسیاری از بزرگان و پیشوایانشان، سرانجام توانستند در سه منطقه از جهان اسلام حکومتی را بر مبنای اعتقادات خود تشکیل دهند:

۱- **ادریس بن عبدالله**، از نوادگان **امام حسن مجتبی(ع)** در سرزمین مراکش واقع در شمال آفریقا که سلسله‌ی حکومت و پیروان او به «ادریسیه» مشهور شدند.
۲- **قاسم بن ابراهیم بن طباطبارسی** که در یمن قیام کرد و تشکیل حکومت داد. پیروان وی را «قاسمیه» می‌گفتند.
۳- **حسن بن زید (داعی کبیر)** از نوادگان **امام حسن مجتبی(ع)** که در سال ۲۵۰ هجری قمری در منطقه‌ی طبرستان حکومتی مستقل از خلافت عباسیان تشکیل داد و بازماندگان او تا سال ۳۱۶ هجری قمری بر این منطقه حکومت کردند. این طایفه به «حسنیه» و «علویان طبرستان» مشهور شدند (ص۳۶).
در مورد مذهب علویان، نویسنده‌ی کتاب با صراحت بیان می‌کند که در دوره‌ی اول حکومت علویان، یعنی زمان زمامداری **داعی کبیر** و دامادش، **ابوالحسین احمد** و برادرش، **محمد بن زید**، این سه تن، پیرو فرقه‌ی زیدیه و از مبلغان و مروجان آن بودند (ص۳۷).
نویسنده‌ی کتاب ادعای **اعتمادالسلطنه** در تاریخ طبرستان مبنی بر شیعه‌ی امامیه بودن **داعی کبیر** را رد می‌کند و هم‌چنین گفته‌ی **مرعشی**، نویسنده‌ی کتاب تاریخ طبرستان و رویان و مازندران را تکذیب می‌کند و این‌گونه توجیه می‌کند که این دو نویسنده، **داعی کبیر** را شیعه‌ی امامی به معنای عام (یعنی اعتقاد به امامت **حضرت علی** و فرزندانش) دانستند که این معنا، تمام فرقه‌های تشیع (از جمله زیدیه، اسماعیلیه، امامیه‌ی اثنی‌عشریه) را شامل می‌شود؛ یا این‌که گفته شده آنان سهوالقلم شده به جای زیدیه، شیعه‌ی امامیه را برای وی به کار برده‌اند (ص۳۸).
نویسنده از قراین و شواهد متعدد به این نتیجه می‌رسد که **داعی کبیر** پیرو مذهب شیعه‌ی زیدیه بوده و بعد از **امام زین‌العابدین(ع)**، به امامت **زید بن علی** باور داشته است. اما وی مستنداتی دال بر مذهب زیدیه‌ی **داعی کبیر** نمی‌آورد و قراین و شواهدی را به عنوان نمونه ذکر نمی‌کند.
دوره‌ی دوم حکومت علویان طبرستان که از سال ۳۰۱ تا سال ۳۱۶ هجری قمری است، **ناصر کبیر** و فرزندانش به همراه **داعی صغیر** حکومت طبرستان را در دست داشتند. بنا به گفته‌ی **واردی**، علی‌الظاهر دارای مذهب واحد نبودند، بلکه تعدادی امامی‌مذهب و تعدادی زیدی‌مذهب بودند (ص۳۹). **ابن عنبه** در عمده الطالب، **ابن شهرآشوب** در معالم العلماء، **ابن ندیم** در الفهرست، **علامه طباطبایی** در شیعه در اسلام و **محقق بحرانی** در الحدایق، **ناصر کبیر** را زیدی‌مذهب و از علما و بزرگان این طایفه‌ی شیعی دانسته‌اند (ص۴۰).
نویسنده‌ی کتاب با آوردن چهار دیدگاه در مورد مذهب **ناصر کبیر** و ارائه‌ی مدارک و منابع متنوع به خوبی توانسته است این دیدگاه‌های متفاوت را به اثبات برساند. بنا به نقل **واردی**، درباره‌ی **ناصر کبیر** چهار دیدگاه وجود دارد:
۱) زیدی بود؛
۲) امامی اثنی‌عشری بود؛
۳) امامی اثنی‌عشری بود ولی زیدیه وی را امام خود می‌دانستند؛
۴) امامی اثنی‌عشری بود ولی تقیه می‌کرد و در ظاهر زیدی نشان می‌داد.
نویسنده با آوردن هر کدام از این دیدگاه‌ها و نقل و تعبیر شواهد آن نتیجه می‌گیرد که وی امامی اثنی‌عشری بوده و می‌گوید: وی کتابی درباره‌ی امامان معصوم(ع) نوشت به نام اسناب الائمه(ع) و موالیدهم الی صاحب الامر علیهم السلام که بسیاری از علما و مورخان آن را مشاهده و مطالعه کرده‌اند و بر صدق انتساب آن به **ناصر کبیر** گواهی داده‌اند (ص۴۲).

ب) حیات سیاسی علویان طبرستان

نویسنده‌ی کتاب علویان طبرستان در مورد زمامداری چهار تن از حاکمان علوی به تفصیل سخن گفته است. وی ابتدا به شرح حال **داعی کبیر** می‌پردازد و سپس مهاجرت او به ایران و دعوت شدنش به طبرستان را نقل می‌کند (صص۵۰-۵۲).
شرح نبردهای علویان با طاهریان، فتح آمل و ساری و تداوم شکست و پیروزی‌های علویان در جنگ‌هایی با صفاریان در دوران **داعی کبیر**، از جمله مقولاتی است که نویسنده تنها با استفاده از سه منبع تاریخ طبرستان **ابن اسفندیار**، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران **مرعشی** و تاریخ طبرستان **اعتمادالسلطنه** آن‌ها را ذکر کرده است (صص۵۴-۸۰).
نویسنده سپس به شرح دوران سیاسی داعی الی الحق، **محمد بن زید علوی** پرداخته و نقل می‌کند که علی‌رغم وصیت **داعی کبیر** مبنی بر جانشینی برادرش، **محمد بن زید علوی**، داماد داعی کبیر، **ابوالحسین احمد** به تحریک سران سیاسی و قومی مانند **اسپهبد رستم بن سرخاب**، **اسپهبد با دوسپان بن افریدون** و سران گروه‌های دیلمی و گیلانی، خود را جانشین **داعی کبیر** اعلام می‌کند، چتر حکومتش را بر طبرستان می‌اندازد و تنها گرگان و استرآباد از دایره‌ی حکومتش بیرون می‌مانند (صص۱۰۶-۱۰۵).
این مسأله سرآغاز نبردهایی میان **ابوالحسین احمد** و **محمد بن زید علوی** می‌شود تا این‌که **رافع بن هرثمه** به یاری **محمد بن زید علوی** برمی‌خیزد، او را با عزت و احترام به گرگان برمی‌گرداند و حکومت شهر را به وی واگذار می‌کند (ص۱۰۷). اما نبردهای درونی علویان به نفع **محمد بن**

نویسنده‌ی کتاب ادعای اعتمادالسلطنه در تاریخ طبرستان مبنی بر شیعه‌ی امامیه بودن داعی کبیر را رد می‌کند و هم‌چنین گفته‌ی مرعشی، نویسنده‌ی کتاب تاریخ طبرستان و رویان و مازندران را تکذیب می‌کند

بیش‌تر تاریخ‌نگارانی که جنبش علویان شمال ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند، به این امر اشاره داشته‌اند که مسلمان شدن جنگجویان دیلمی و رویگردانی آنان از کیش زرتشتی و ایمان‌آوردن به اسلام و پایبندی به احکام شریعت، مرهون تلاش‌های بی‌دریغ ناصر کبیر بوده است

علویان طبرستان

زید پایان می‌پذیرد و وی در سال ۲۷۱ هجری قمری به عنوان حکمران علویان شناخته می‌شود. از این تاریخ، حکومت **سید محمد بن زید** به تمامی طبرستان و گرگان گسترش پیدا کرد و بار دیگر حکومتی یکپارچه و قوی، زیر پرچم سفید علویان شکل گرفت (ص۱۰۹).

طی حکومت **محمد بن زید**، وی با دولت سامانیان نیز تصادماتی داشت. به گفته‌ی **واردی**، **سید محمد بن زید علوی** که بر تمامی طبرستان و گرگان و قسمت‌هایی از گیلان و شهرهای جنوبی سلسله جبال البرز سیطره‌ی کامل داشت، از اختلاف بین صفاریان و سامانیان سود جست و قصد تصرف شهرهای غربی خراسان را داشت. در نتیجه، بین علویان و سامانیان درباره‌ی گرگان و قسمت‌های غربی خراسان اختلاف منافع به وجود آمد (ص۱۱۴).

علویان در نبرد با سامانیان متحمل شکست سنگینی شدند و **محمد بن زید** نیز در هنگام نبرد کشته شد. به این ترتیب، حکومت دوره‌ی اول علویان به پایان رسید. طبرستان چندین سال در اشغال سامانیان بود و دوره‌ی فترت سیزده‌ساله تا روی کار آمدن **ناصر کبیر** شروع شد.

ناصر کبیر که سه سال بعد از کشته شدن **محمد بن زید** به خون‌خواهی وی بر ضد سامانیان قیام کرد، شکست خورد و به سرزمین دیلم عقب نشست (ص۱۳۲). وی به مدت سیزده سال، به تبلیغ و ارشاد دینی و مذهبی دیلمانیان و گیلانیان همت گمارد.

بیش‌تر تاریخ‌نگارانی که جنبش علویان شمال ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند، به این امر اشاره داشته‌اند که مسلمان شدن جنگجویان دیلمی و رویگردانی آنان از کیش زرتشتی و ایمان‌آوردن به اسلام و پایبندی به احکام شریعت، مرهون تلاش‌های بی‌دریغ **ناصر کبیر** بوده است.

در واقع به تعبیر **حکیمیان**، حکومت سیاسی- مذهبی زیدیان طبرستان، موجب هموار شدن راه نفوذ قطعی اسلام در آن سرزمین شد و در حقیقت، علویان طبرستان، کار مهمی را که خلفای بغداد با جنگ و جدال نتوانستند انجام دهند، با درایت تمام به پایان رساندند. (حکیمیان، ۱۳۴۸: ۷۱).

ناصر کبیر بیش از سیزده سال به کارهای فرهنگی و فکری پرداخت و مردم گیلان را بسان اهالی طبرستان به افرادی متعهد و مومن تبدیل کرد، از فضای موجود طبرستان و شدت اختناق ظلم و فشار **محمد بن صلوک** بر مردم این منطقه نهایت استفاده را برد و تصمیم گرفت قیام کند و راه **داعی کبیر** و برادرش، **محمد بن زید** را ادامه دهد. به همین منظور، در تمام طول حکومت خود با سامانیان در جنگ و نبرد بود و سرانجام به سال ۳۰۴ هجری قمری در ۷۴ سالگی بدرود حیات گفت (ص۱۴۶).

پس از وی، آخرین حاکم علوی، داعی صغیر، **حسن بن قاسم** به قدرت رسید. در دوره‌ی **داعی صغیر** مناقشات با سامانیان هم‌چنان ادامه داشت. در واقع هجوم بی‌امان سامانیان به طبرستان از طرفی و اتحاد فرزندان **ناصر کبیر** از طرف دیگر، زمینه‌ی اختلافات و انحطاط داخلی علویان را پدید آورد و سرانجام همان‌گونه که **ابن اسفندیار** و **ابن خلدون** و دیگر مورخان گفته‌اند، **اسفار بن شیرویه** (سردار سامانی) ابتدا به گرگان و طبرستان هجوم آورد و با شکست سپاهیان علوی و کشتن **داعی صغیر** در سال۳۱۶ هجری قمری و تصرف تمامی مناطق گرگان و طبرستان، در سال ۳۱۷ هجری قمری به ری هجوم آورد و با **ماکان بن کاکی** وارد جنگ شد. او را با شکستی سنگین و سرنوشت‌ساز مواجه کرد و به سمت دیلم فراری داد. سپس شهرهای جنوبی سلسله جبال البرز را به تصرف خویش درآورد (ص۱۷۴).

اهمیت حکومت علویان طبرستان

حکومت علویان در طبرستان، پدیده‌ی نوظهوری در تاریخ ایران پس از اسلام بود. نویسنده‌ی کتاب تاریخ علویان طبرستان صرفاً با شرح دوران سیاسی و نظامی این حکومت، درصدد اثبات حقانیت این حکومت بوده است.

به دلیل تمایز مذهبی علویان از حکومت‌های هم‌جوار و عدم مشروعیت از سوی خلیفه‌ی عباسی، حیات سیاسی این دولت همواره با جنگ و تصادم با دیگر حکومت‌ها توأم بود و مخالفان درونی و بیرونی بسیاری داشت. سراسر کتاب **تقی واردی** شرح جنگ‌ها و کشمکش‌هایی است که علویان برای بقای خود با دیگر مناطق هم‌جوار انجام می‌دادند و این شاید دلیلی باشد بر فقدان تاریخ اجتماعی و اقتصادی این حکومت. **اشپولر** می‌گوید: «زیدیه در سال ۸۶۴ میلادی در سواحل جنوبی بحر خزر دولتی به وجود آوردند که در ۹۲۸میلادی بعد از یک عمر کوتاه و آشفته به سر آمد، اما تأثیر بارزی در تاریخ باقی گذاشت که عبارت بود از تسخیر آن سرزمین جهت مذهب شیعه و در واقع فتح آن سرزمین جهت اسلام. برای اولین بار منطقه‌ی اطراف بحر خزر، پرورشگاه عقاید شیعه شد.» (حکیمیان، ۱۳۴۸: ۷۱).

منابع

حکیمیان، ابوالفتح (۱۳۴۸). **علویان طبرستان**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۱۵). **شیعه در اسلام**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.